



کاش با هم می کردی می شدیم

فرمایش شکافته علم و دانش حضرت امام باقر علیه السلام در باره کمالات انسانی

الْكَمَالُ كُلُّ الْكَمَالِ، التَّمَنُّهُ فِي الدِّيْنِ، وَالصَّبْرُ عَلَى النَّائِبَةِ، وَتَقْدِيرُ الْمَعِيشَةِ.

«تحف العقول» ص ۲۱۳

همه کمالات - معنوی و مادی انسان - در سه چیز نهفته است :
فقاہت و شناخت دقیق دین و معارف الهی ، صبر و شکیبایی در مقابل ناملایمات
و مدیریت و برنامه ریزی زندگی

ماهنامه فرهنگی، اعتقادی، اجتماعی

اعتقادی و فرهنگی

- ۴ • کار و تلاش در سیره امام علی علیه السلام
- ۷ • خورشید رخشان مقابر قریش
- ۱۰ • امام حسین (ع)، از منظر شخصیت‌ها و تفکرات
- ۱۴ • در کف مولاست گویی ذوالفقار

اخبار مسجد امام حسین علیه السلام

- ۱۶ • دیدار نماینده مقام معظم رهبری از نمایشگاه بین المللی کتاب شارجه - سفر عمره ویژه اساتید و دانشجویان در ایام نوروز
- ۱۷ • برگزاری مراسم دهه اول ماه محرم در مسجد امام حسین (ع) - چاپ و توزیع ویژه نامه «مرثیه ناسروده» بمناسبت حلول ماه محرم سال ۱۴۳۲

اجتماعی و تربیتی

- ۱۸ • روز شمار انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷
- ۲۲ • بهداشت روانی از منظر قرآن کریم
- ۲۴ • خطاهای شناختی
- ۲۶ • دستهای کبود
- ۲۸ • دستهای کوچک دعا
- ۳۰ • دامان حسین اگر نگیرم چه کنم
- ۳۱ • مردی که هیچگاه سر خم نکرد!
- ۳۲ • امیرکبیر؛ مرد تمام عیار تاریخ ایران
- ۳۶ • آیا با خودتان صادق هستید؟

گوناگون

- ۳۸ • اینجا سلف سرویس است!
- ۴۰ • دونه‌ای که آخر شد!
- ۴۲ • بگوییم... نگوییم!
- ۴۳ • تلاش کنید
- ۴۴ • جدول
- ۴۵ • جالب‌ترین نگاه به اعداد در زندگی
- ۴۶ • شعر؛ ای وای مادرم

صندوق پستی: ۳۳۰۶۴ / دبی
فاکس: ۳۴۹۷۳۶۷-۱۰۴ / تلفن: ۳۴۴۲۸۸۶-۰۴
ایمیل: info@3rdiman.com
نسیم از آثار خوانندگان گرامی استقبال می‌کند.





کار و تلاش در سیره امام علی علیه السلام

درآمد

کار، جوهر آدمی است. با کار کردن، استعدادها و ظرفیت‌های وجودی انسان شکوفا می‌شود. تمدن‌های عظیم بشری نیز با همه تنوع و تفاوتشان، حاصل کار و تلاش بی‌امان و خستگی‌ناپذیر آدمیان است. بنابراین، کار را می‌توان از دو جنبه بررسی کرد: نخست، از جنبه شخصی و تأثیرهایی که بر روان و جسم فرد می‌گذارد و دیگر، از جنبه اجتماعی و اثرپذیری متقابل فرد و جامعه.

کار ممکن است تأثیر مثبت یا منفی بر جسم و جان انسان بگذارد و می‌تواند به فرد منزلت اجتماعی ببخشد و توازن را میان فرد انسانی و جامعه برقرار سازد.

ارزش کار در اسلام

اگر چه مفهوم کار کردن و ساختن، در نهاد و فطرت آدمی ریشه دارد، و مورد توصیه عقل است، ولی با این حال، خداوند و انبیا و اولیای الهی برای تأکید بیشتر و غفلت زدایی از وجود انسان‌ها، پیوسته انسان‌ها را به کار و کوشش فراخوانده و تشویق کرده‌اند. از همین رو است که قرآن می‌فرماید: «آدمی را جز حاصل کارش بهره‌ای نیست». (نجم: ۳۹)

بر اساس آنچه در قرآن، عهدین و کتاب‌های تاریخی آمده است، بیشتر پیامبران به کارهایی چون کشاورزی، زره سازی، نجاری، تجارت و... اشتغال داشته‌اند. حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام به دست خویش، خانه کعبه را بنا نهادند.

حضرت نوح علیه السلام کشتی ساخت. حضرت موسی علیه السلام چوپانی کرد. حضرت عیسی علیه السلام طبابت می‌کرد، حضرت داوود علیه السلام زره می‌ساخت و حضرت محمد صلی الله علیه و آله به چوپانی و تجارت می‌پرداخت.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آن گاه که ویژگی‌های انسان مؤمن را برای حضرت علی علیه السلام توصیف می‌کند، با اشاره به صفت پرکاری می‌فرماید: «ای علی، پرکاری از صفات مؤمن است.»

همچنین آن حضرت می‌فرماید: «دوست دارم که شخص برای تأمین مخرج خود، از حرارت آفتاب آزار ببیند». امروزه جامعه شناسان نیز به اهمیت و ارزش کار توجه کرده و هر یک به نوعی آن را مورد تأیید و تأکید قرار داده‌اند.

زیاده‌روی در کار

باید توجه داشت که اسلام نمی‌خواهد انسان چنان غرق کار شود که زمینه‌های روحی، روانی، اخلاقی و اجتماعی خود را به فراموشی بسپارد. البته در اسلام بر فضیلت کار به‌خاطر کار آن گونه که پروتستانیسم می‌گوید، هیچ گونه تأکیدی وجود ندارد. در اسلام، کار در پرتو نیازهای انسان و ضرورت برقراری تعادل و آرامش در زندگی فردی و اجتماعی افراد یک فضیلت تلقی می‌شود. وظیفه کار کردن جهت تأمین نیازهای فرد و نیازهای خانواده همواره کنترل شده و با تأکید قرآن بر گذرا بودن زندگی و هشدار دادن نسبت به خطر حرص و آز و طمع و اهمیت اجتناب ورزیدن از ثروت اندوزی، از افراط در آن جلوگیری شده است. در سیره امام علی علیه السلام، همان گونه که دانش و بینش و تقوا،

ایمان، شجاعت، شهامت، مدیریت، دادگری، اخلاص و مدارا جایگاه خاصی دارند، کار و تلاش نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. علی‌السلام کار کردن را از لوازم زهد و پرهیزکاری می‌شمارد. یکی از پژوهشگران در این مورد می‌نویسد:

... در عبادت، اخلاص بسیار نشان می‌داد و در کار حلال و حرام، دقتی به سرحد و سواس داشت و اگر هم گاه تهیدست نبود، باز از چیزی که آن را تفنن و تجمل می‌شمرد، اجتناب می‌کرد. حشمت خلافت، او را از تسلیم به حکم شرع مانع نمی‌شد.

از دیدگاه امام علی علیه‌السلام، کار اگر مرزها و حدود ارزش‌های انسانی و الهی را محترم بشمارد، نه تنها مباح، بلکه لازم و نوعی عبادت است. و در این حالت است که کارگر، محبوب خدا خواهد بود. ایشان می‌فرماید: "همانا خداوند، پیشه‌ور امانت‌دار را دوست دارد". ایشان در مرحله اسوه‌سازی از حیث کار و تلاش می‌فرماید:

اگر بخواهی، می‌توانی. داوود - که درود خدا بر او باد - دارنده نی‌ها و خواننده بهشتیان را دیگر الگوی خویش سازی، کسی که با هنر دستان خویش از لیف خرما زنبیل می‌بافت و از همنشینان خود می‌پرسید: فروش اینها را کدامتان بر عهده می‌گیرید؟ و آنگاه از بهای دسترنج خویش، به خوردن قرصی نان جوین بسنده می‌کرد.

جنبه‌های روان‌شناختی کار

امام درباره جنبه روان‌شناختی کار فرموده است: از دست دادن فرصت‌ها موجب غصه و افسردگی است. آنکه از کار و تلاش کوتاهی ورزد، به اندوه و غم دچار می‌آید. آن حضرت به عنوان اسوه و الگوی عملی، هیچ گاه فرصت‌ها را از دست نمی‌داد و به بهترین صورت ممکن، از اوقات عمر گرانبهایش در راه رضایت الهی بهره می‌گرفت.

در این باره آمده است که هرگاه از کار جهاد فارغ می‌شد و آسوده خاطر می‌گشت، به آموزش مردم و قضاوت در میان آنان مشغول می‌شد. هرگاه از این کار هم فارغ می‌شد، در باغی که داشت، سرگرم کار می‌شد و در همان حال، به یاد خدا و در حال ذکر بود. بنابراین، امام علی علیه‌السلام کار را جوهر ایمان می‌شمرد و بر اصالت کار تأکید فراوان داشت. ایشان کار را در جهات متفاوت در زندگی شغلی خویش به کار می‌بست و در مشاغل گوناگون حضور فعال داشت.

کار فرهنگی در سیره امام علی علیه‌السلام

علی علیه‌السلام در عرصه فرهنگی و آموزش و پرورش، عالمی توانا و معلمی ارجمند بود. در مورد گستره دانش آن حضرت آمده است: علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام بسیار هوشمند و زیرک بود و به دانش اندوزی حرصی بی‌پایان داشت. همواره از کودکی تا

هنگام مرگ پیامبر شب و روز ملازم وی بود. او از نظر عمل و فضل در اوج کمال بشری قرار داشت. آشکارا معلوم است که شاگردی چنین، با این مایه پشتکار آن هم در محضر چنان معلمی، شاگردی خواهد بود در غایت کمال و نهایت فضل.... حضرتش بارها درباره زکات علم که همانا نشر آن است، فرموده است: «پیش از آنکه مرا از دست بدهید، از من بپرسید».

علی علیه‌السلام در دوران خانه نشینی نیز همواره پشتیبان و مرجع فکری، دینی و فرهنگی و سیاسی جامعه و حکومت بود. به شهادت اسناد تاریخی، امام علی علیه‌السلام هم عالمی تمام عیار بود و هم بنیان‌گذار برخی علوم اسلامی و هم معلمی دل‌سوز و دانا که این همه از ژرف نگری و فضیلت والای علمی ایشان برمی‌خاست.

قضاوت، پیشه پارسایان

یکی دیگر از شغل‌هایی که امام علی علیه‌السلام تصدی آن را بر عهده داشت، قضاوت بود. در اسلام، قضاوت از مشکل‌ترین



در جنگ احد، با فداکاری آن حضرت، ندای «لا فتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار» جبرئیل در گوش زمان پیچید و جاودانه شد. در جنگ خندق نیز عبادت جن و انس هم سنگ ضربت حضرت علی علیه السلام قرار گرفت.



فعالیت‌های اقتصادی و کشاورزی

امام علی علیه السلام در کنار کارهایی چون تعلیم و تعلم، قضاوت و حضور در میدان جنگ، به کارهای اقتصادی نیز اهمیت می‌داد و یک کشاورز نمونه بود. در احیای زمین‌ها می‌کوشید و دیگران را نیز به کاشتن بذرها و درخت‌ها تشویق می‌کرد. در روایتی آمده است مردی در نزد حضرت علی علیه السلام یک سبد هسته خرما دید، پرسید: مقصود از گردآوری این همه هسته خرما چیست؟ فرمود: همه آنها به اذن الهی درخت خرما خواهند شد. راوی می‌گوید که امام آن هسته‌ها را کاشت و نخلستانی پدید آمد و آن را وقف کرد. همچنین در زمینه حفر قنات و استخراج آب که در سرزمین سوزان عربستان حکم کیمیا را داشت، بسیار فعال بود. هم‌اکنون در راه مدینه به مکه، منطقه‌ای به نام «ابار علی» است که آن حضرت در آنجا چاه زده بود.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله زمینی از انفال را در اختیار علی علیه السلام گذاشت. او در آنجا قناتی حفر کرد که آب آن همچون گردن شتر فواره می‌زد. فردی به آن حضرت به جهت توفیق این خدمت بشارت داد. حضرت فرمود این قنات وقف زائران خانه خدا و رهگذرانی است که از اینجا می‌گذرند. کسی حق فروش آب آن را ندارد و فرزندانم هرگز آن را به میراث نمی‌برند.

کلام آخر

حضرت علی با تشویق افراد جامعه به کار و تلاش می‌فرماید هرگز شما را به عملی دعوت نکردم مگر اینکه خود در آن کار پیش قدم بوده‌ام. ایشان به کارهای رایج آن زمان می‌پرداخت و با اینکه مسئولیت‌های سنگین تری همچون حکومت جامعه اسلامی را به عهده داشت، در زمینه کشاورزی، عدالت اجتماعی، قانون‌گرایی، زهد و تقوا و دین‌داری، سرآمد خاص و عام بود. در زمینه فعالیت‌های اقتصادی، نیز یادگارهای ارزنده‌ای از خود به‌خاطر تاریخ به‌وَدیعه نهاده است. امید که ره‌پویان وارسته و رهبران شایسته‌ای جهت پیروی از ایده‌ها، آرمان‌ها و تلاش‌های حضرت‌ش باشیم.

و حساس‌ترین مشاغل است. صاحب این شغل علاوه بر پارسایی باید از دانش وسیعی برخوردار باشد. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، قضاوت را پرازنده علی علیه السلام می‌دانست و می‌فرمود: «بهترین و داناترین و ماهرترین شما در امر قضاوت، علی است».

علی علیه السلام با دانش و تقوای خویش، در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، خلفا و هنگام خلافت خود، به قضاوت‌های حقوقی میان مردم می‌پرداخت. شخصیت قضایی حضرت،

همواره مورد توجه مردم، تاریخ‌نگاران و اندیشمندان بوده است و در این باره کتاب‌های زیادی نوشته شده است.

رایزنی و مشورت

از دیگر مسئولیت‌های حضرت، رایزنی بود. او هم با دیگران به مشورت می‌نشست و هم در رایزنی‌ها از دانش و بینش خود به دیگران کمک می‌رساند.

«گسترش اسلام و حفظ کبان مسلمانان، هدف بزرگ امام علی علیه السلام بود. از این رو، گرچه وی خود را وصی مخصوص پیامبر صلی الله علیه و آله می‌دانست و شایستگی و برتری او بر دیگران محرز بود، هر وقت گره‌ای در کار خلافت می‌افتاد، با فکر نافذ و نظر بلند خود، آن را می‌گشود. به این جهت می‌بینیم که امام علی علیه السلام در دوران خلیفه دوم نیز مشاور و گره‌گشای بسیاری از مشکلات سیاسی، علمی و اجتماعی او بود».

حضرت علی علیه السلام در این زمینه می‌فرمود:

آن‌کس که خودرأی باشد، به ورطه هلاک خواهد افتاد و آنکه با بزرگان به رایزنی پردازد، در خردورزی‌های ایشان مشارکت کرده و بهره برده است... هیچ پشتیبانی، اطمینان بخش‌تر از رایزنی نیست.

رزمندگی و فرماندهی نظامی

حضرت، رزمنده و فرمانده نظامی نیز بود. به گواهی تاریخ، امام علی علیه السلام در بیشتر غزوه‌ها و سریه‌های زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقش فعال داشت و یکی از فرماندهان و طراحان نظامی لشکر اسلام بود. هیچ‌گاه در جنگ‌ها پشت به دشمن نکرد و زره‌روی، پشت نداشت. در بیشتر جنگ‌ها به عنوان رزمنده و فرماندهی موفق، شجاع و باهوش شرکت می‌کرد و در جنگ‌های اساسی چون بدر و اُحد و خندق و خیبر و... نقش تعیین‌کننده داشت.



به یاد خورشید آسمان ولایت امام کاظم(ع) که در هفتم صفر درخشش آغاز کرد

خورشید رخشان مقابر قریش

تولد امام کاظم علیه السلام

تولد ابوالحسن موسی بن جعفر (ع) امام هفتم از ائمه اثنی عشر علیه السلام ونهمین معصوم از چهارده معصوم علیههم السلام در روز یکشنبه هفتم صفر سال ۱۲۸ یا ۱۲۹ ق در ابواء(محلّی میان مکه و مدینه) واقع شد.

عبد صالحی که خشم خود را فرو می خورد

به جهت کثرت زهد و عبادتش معروف به "عبد صالح" و به جهت علم و فرو خوردن خشم و صبر بر مشقات و آلام زمانه مشهور به "کاظم" گردید. آن حضرت به کنیه‌های ابو ابراهیم و ابو علی نیز معروف بوده است. مادر آن حضرت حمیده کنیزی از اهل مغرب یا اندلس (اسپانیا) بوده است و نام پدر حمیده را صاعد مغربی (بربری) گفته‌اند

برادران دیگر امام از این بانو اسحاق و محمد دیباج بوده‌اند. امام موسی کاظم (ع) هنوز کودک بود که فقه‌های مشهور مثل ابوحنیفه از او مسئله می‌پرسیدند و کسب علم می‌کردند بعد از رحلت پدر بزرگوارش امام صادق (ع) در سال ۱۴۸ ق در بیست سالگی به امامت رسید و ۳۵ سال رهبری و ولایت شیعیان را برعهده داشت....

چگونه آن حضرت به امامت رسید؟

در زمان حیات امام صادق(ع) کسانی از اصحاب آن حضرت معتقد بودند پس از ایشان اسماعیل امام خواهد شد.

اما اسماعیل در زمان حیات پدر از دنیا رفت ولی کسانی مرگ او را باور نکردند و او را همچنان امام دانستند پس از وفات حضرت صادق (ع) عده ای چون از حیات اسماعیل مأیوس شدند پسر او محمد بن اسماعیل را امام دانستند و اسماعیلیه امروز بر این عقیده هستند و پس از او پسر او را امام می‌دانند و همینطور به ترتیب و به تفصیلی که در کتب اسماعیلیه مذکور است. از سوی دیگر پس از وفات حضرت صادق(ع) بزرگترین فرزند ایشان عبدالله نام داشت که بعضی او را عبدالله فطحی می‌دانند این عبدالله مقام و منزلت پسران دیگر امام صادق(ع) را نداشت و به قول شیخ مفید در ارشاد متهم بود که در اعتقادات با پدرش مخالف است و چون بزرگترین برادرانش از جهت سن و سال بود ادعای امامت کرد و برخی نیز از او پیروی کردند اما چون ضعف دعوی و دانش او را دیدند روی از او برتافتند و فقط عده قلیلی از او پیروی کردند که به فطحیه موسوم هستند.

برادر دیگر امام موسی کاظم(ع) اسحق است که برادر تنی آن حضرت بود و به ورع و صلاح و اجتهاد معروف بود اما برادرش موسی کاظم(ع) را قبول داشت و حتی از پدرش روایت می‌کرد که او تصریح بر امامت آن حضرت کرده است.

برادر دیگر آن حضرت به نام محمد بن جعفر مردی سخی و شجاع بود و از زیدیه و جارودیه بود و در زمان مامون در خراسان وفات یافت.



گویند که مهدی از امام تعهد گرفت که بر او و فرزندانش قیام نکند این روایت نشان می‌دهد که امام کاظم (ع) قیام را در آن زمان صلاح و شایسته نمی‌دانسته است و با آنکه از جهت کثرت عبادت و زهد به عبد صالح معروف بوده بقدری در انتظار مردم مقامی والا و ارجمند داشته است که او را شایسته مقام خلافت و امامت ظاهری نیز می‌دانستند و همین امر موجب تشویش و اضطراب دستگاه خلافت گردیده و مهدی به حبس او فرمان داد.

زمخشری در "ربیع الابرار" آورده است که هارون فرزند مهدی در یکی از ملاقاتها به امام پیشنهاد نمود فدک را تحویل بگیرد و حضرت نپذیرفت وقتی اصرار زیاد کرد فرمود می‌پذیرم به شرط آن که تمام آن ملک را با حدودی که تعیین می‌کنم به من واگذاری، هارون گفت حدود آن چیست؟ امام فرمود یک حد آن به عدن است حد دیگرش به سمرقند و حد سومش به افریقا و حد چهارمش کناره دریای خزر است. هارون از شنیدن این سخن سخت برآشفته و گفت: پس برای ما چه چیز باقی می‌ماند؟

امام فرمود: می‌دانستم اگر حدود فدک را تعیین کنم آن را به مامسترند نخواهی کرد (یعنی خلافت و اداره سراسر کشور اسلام حق من است).

از آن روز هارون کمر به قتل موسی بن جعفر (ع) بست. در سفر هارون به مدینه هنگام زیارت قبر رسول الله (ص) در حضور سران قریش و روسای قبایل و علما و قضات بلاد اسلام گفت: السلام علیک یا رسول الله، السلام علیک یا بن عم و این را از روی فخر فروشی به دیگران گفت.

امام کاظم (ع) حاضر بود و فرمود: السلام علیک یا رسول

اماجلات قدر و علو شأن و مکارم اخلاق و دانش وسیع امام موسی کاظم (ع) بقدری بارز و روشن بود که اکثریت شیعه پس از وفات امام صادق (ع) به امامت او گرویدند و علاوه بر این بسیاری از شیوخ و خواص اصحاب حضرت صادق (ع) مانند مفضل بن عمر جعفری و معاذین کثیر و صفوان جمال و یعقوب سراج نص صریح امامت حضرت امام موسی کاظم (ع) را از امام صادق (ع) روایت کردند و بدین ترتیب امامت ایشان در نظر اکثریت شیعه مسجل گردید.

شخصیت اخلاقی

امام کاظم (ع) در علم و تواضع و مکارم اخلاق و کثرت صدقات و سخاوت و بخشندگی ضرب المثل بود. بدان و بداندیشان را با عفو و احسان بیکران خویش تربیت می‌فرمود.

شبهها بطور ناشناس در کوچه‌های مدینه می‌گشت و به مستمندان کمک می‌کرد. مبلغ دویست، سیصد و چهارصد دینار در کیسه‌های گذاشت و در مدینه میان نیازمندان قسمت می‌کرد. صرار (کیسه‌های) موسی بن جعفر در مدینه معروف بود و اگر به کسی صره‌ای می‌رسید بی‌نیاز می‌شد معذک در اطاقی که نماز می‌گذارد جز بوری و مصحف و شمشیر چیزی نبود.

برخورد حاکمان سیاسی معاصر با امام

مهدی خلیفه عباسی امام را در بغداد بازداشت کرد اما بر اثر خوابی که دید و نیز تحت تأثیر شخصیت امام از او عذرخواهی کرد و حضرت را به مدینه بازگرداند.

الله، السلام عليك يا ابت (یعنی سلام بر تو ای پدر من). می‌گویند هارون دگرگون شد و خشم از چهره‌اش نمودار گردید.

زندانی نمودن امام و چگونگی شهادت

درباره حبس امام کاظم (ع) به دست هارون الرشید شیخ مفید در ارشاد روایت می‌کند که علت گرفتاری و زندانی شدن امام، یحیی بن خالد بن برمکی بوده است زیرا هارون فرزند خود امین را به یکی از مقربان خود به نام جعفر بن محمد بن اشعث که مدتی هم والی خراسان بوده است سپرده بود و یحیی بن خالد بیم داشت که اگر خلافت به امین برسد جعفر بن محمد را همه کاره دستگاه خلافت سازد و یحیی و بر مکبان از مقام خود بیفتند.

جعفر بن محمد بن اشعث شیعه بود و به امامت امام کاظم (ع) قائل بود. یحیی نیز این مطلب را دائم به هارون اعلام می‌داشت. سرانجام یحیی پسر برادر امام را به نام علی بن اسماعیل بن جعفر از مدینه خواست تا به وسیله او از امام و جعفر نزد هارون بدگویی کند. گویند امام هنگام حرکت علی بن اسماعیل از مدینه او را احضار کرد و از او خواست که از این سفر منصرف شود و اگر ناچار می‌خواهد برود از او بدگویی نکند. علی قبول نکرد و نزد یحیی رفت و بوسیله او پیش هارون بار یافت و گفت از شرق و غرب ممالک اسلامی مال به او می‌دهند تا آنجا که ملکی را توانست به هزار دینار بخرد. هارون در آن سال به حج رفت و در مدینه امام و جمعی از اشراف به استقبال او رفتند. اما هارون در قبر حضرت رسول (ص) گفت یا رسول الله از تو پوزش می‌خواهم که می‌خواهم موسی بن جعفر را به زندان افکنم زیرا او می‌خواهد امت ترا برهم زند و خونشان بریزد. آنگاه دستور داد تا امام را از مسجد بیرون بردند و او را پوشیده به بصره نزدوالی آنجا عیسی بن جعفر بن منصور بردند.

عیسی پس از مدتی نامه‌ای به هارون نوشت و گفت که موسی بن جعفر در زندان جز عبادت و نماز کاری ندارد یا کسی بفرست که او را تحویل بگیرد یا من او را آزاد خواهم کرد. هارون امام را به بغداد آورد و به فضل بن ربیع سپرد و پس از مدتی از او خواست که امام را آزاری برساند اما فضل نپذیرفت و هارون او را به فضل بن یحیی بن خالد برمکی سپرد. چون امام در خانه فضل نیز به نماز و روزه و قرائت قرآن اشتغال داشت فضل بر او تنگ نگرفت و هارون از شنیدن این خبر در خشم شد و سرانجام یحیی امام را به سندی بن شاهک سپرد و سندی آن حضرت را در زندان مسموم کرد و چون آن حضرت از سم وفات یافت سندی جسد آن حضرت را به فقها و اعیان بغداد نشان داد که ببینند در بدن او اثر زخم یا خفگی نیست. بعد او را در باب التبن

در موضعی به نام مقابر قریش دفن کردند. تاریخ وفات آن حضرت را جمعه هفتم صفر یا پنجم یا بیست و پنجم رجب سال ۱۸۳ ق در ۵۵ سالگی گفته‌اند.

نجمه همسر امام

نجمه، مادر بزرگوار امام رضا (ع) و از زنان مومنه، پارسا، نجیب و پاکیزه بود. حمیده، همسر امام صادق (ع)، او را که کنیزی از اهالی مغرب بود، خرید و به منزل برد.

نجمه در خانه امام صادق (ع)، حمیده خاتون را بسیار احترام می‌کرد و به خاطر جلال و عظمت او، هیچ گاه نزدش نمی‌نشست! روزی حمیده در عالم رویا، رسول گرامی اسلام (ص) را دید که به او فرمودند: ای حمیده! نجمه را به ازدواج فرزند خود موسی درآور زیرا از او فرزندی به دنیا خواهد آمد که بهترین فرد روی زمین است.

پس از این پیام، حمیده به فرزندش امام کاظم (ع) فرمود: پسر! نجمه بانویی است که من هرگز بهتر از او ندیده‌ام، زیرا در زیرکی و محاسن اخلاق، ماندنی ندارد. من او را به تو می‌بخشم، تو نیز در حق او نیکی کن.

ثمره ازدواج امام موسی بن جعفر (ع) و نجمه، نوری شد که در شکم مادر به تسبیح و تهلیل مشغول بود و مادر از آن، احساس سنگینی نمی‌کرد و چون به دنیا آمد، دست‌ها را بر زمین گذاشت، سر را به سوی آسمان بلند کرد و لب‌های مبارکش را به حرکت درآورد، گویا با خدایش راز و نیازی می‌کرد. پس از تولد امام هشتم (ع)، این بانوی مکرمه با تربیت گوهری تابناک، ارزشی فراتر یافت.

فرزندان امام

بنا به گفته شیخ مفید در ارشاد امام موسی کاظم (ع) سی و هفت فرزند پسر و دختر داشت که هجده تن از آنها پسر بودند و علی بن موسی الرضا (ع) امام هشتم افضل ایشان بود از جمله فرزندان مشهور آن حضرت احمد بن موسی و محمد بن موسی و ابراهیم بن موسی بودند. یکی از دختران آن حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها است که قبرش در قم مزار شیعیان جهان است. عدد اولاد آن حضرت را کمتر و بیشتر نیز گفته‌اند.

پایه علمی امام کاظم (ع)

امام هفتم (ع) با جمع روایات و احادیث و احیای سنن پدر گرامی و تعلیم و ارشاد شیعیان، اسلام راستین را که با تعالیم و مجاهدات پدرش جعفر بن محمد (ع) نظم و استحکام یافته بود حفظ و تقویت کرد و علیرغم موانع بسیار در راه انجام وظایف الهی تا آنجا پایداری کرد که جان خود را فدا ساخت.

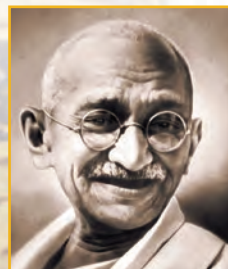
شخصیتهای گوناگون با
تفکرات مختلف پیرامون
شخصیت حضرت امام
حسین(ع)، مطالب متنوعی
بیان کرده‌اند. در این مقال
به بیان برخی از این مطالب
می‌پردازیم.

لازم به ذکر است که ارائه
نظرات افراد در این مجموعه
به معنای تایید شخصیت آنها
نیست. با هم برخی از این
نقطه نظرات را می‌خوانیم.

امام حسین(ع) از منظر شخصیت‌ها و تفکرات

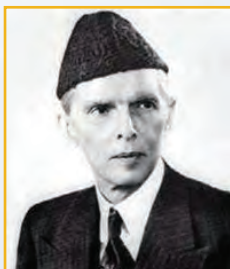
ماهاتما گاندی رهبر استقلال هند

من زندگی امام حسین، آن شهید بزرگ اسلام را به دقت خوانده‌ام و توجه کافی به صفحات
کربلا نموده‌ام و بر من روشن شده است که اگر هندوستان بخواد یک کشور پیروز گردد،
بایستی از سرمشق امام حسین پیروی کند.



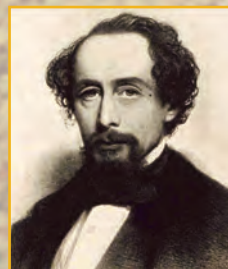
محمد علی جناح قائد اعظم پاکستان

هیچ نمونه‌ای از شجاعت، بهتر از آن که امام حسین از لحاظ فداکاری و تهویر نشان داد در عالم
پیدا نمی‌شود. به عقیده من تمام مسلمین باید از سرمشق این شهیدی که خود را در سرزمین
عراق قربان کرد پیروی نمایند.



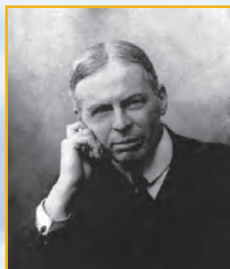
چارلز دیکنز نویسنده معروف انگلیسی

اگر منظور امام حسین جنگ در راه خواسته‌های دنیایی بود، من نمی‌فهمم چرا خواهران و
زنان و اطفالش به همراه او بودند؟ پس عقل چنین حکم می‌نماید که او فقط به خاطر اسلام،
فداکاری خویش را انجام داد.



ادوارد براون مستشرق معروف انگلیسی

آیا قلبی پیدا می‌شود که وقتی درباره کربلا سخن می‌شنود، آغشته با حزن و درد نگردد؟!
حتی غیر مسلمانان نیز نمی‌توانند پاکی روحی را که در این جنگ اسلامی در تحت لوای آن
انجام گرفت انکار کنند.



ل.م. بوید

در طی قرون، افراد بشر همیشه جرأت و پردلی و عظمت روح، بزرگی قلب و شهامت روانی را دوست داشته‌اند و در همین هاست
که آزادی و عدالت هرگز به نیروی ظلم و فساد تسلیم نمی‌شود. این بود شهامت و این بود عظمت امام حسین و من مسرورم که با
کسانی که این فداکاری عظیم را از جان و دل ثنا می‌گویند شرکت کرده‌ام، هر چند که ۱۳۰۰ سال از تاریخ آن گذشته است.



محمد زغلول پاشا

حسین(ع) در این کار، به واجب دینی و سیاسی خود قیام کرده و این گونه مجالس عزاداری، روح شهامت را در مردم پرورش می دهد و مایه قوت اراده آنها در راه حق و حقیقت می گردد.

واشنگتن ایروینگ مورخ مشهور آمریکایی

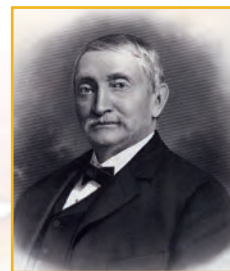
برای امام حسین ممکن بود که زندگی خود را با تسلیم شدن بر اراده یزید نجات بخشد، لیکن مسئولیت پیشوا و نهضت بخش اسلام اجازه نمی داد که او یزید را به عنوان خلافت بشناسد. او به زودی خود را برای قبول هر ناراحتی و فشاری به منظور رها ساختن اسلام از چنگال بنی امیه آماده ساخت، و در زیر آفتاب سوزان سرزمین خشک، و در روی ریگ های تفتیده روح حسین فناپذیر است. ای پهلوان و ای نمونه شجاعت و ای شهسوار من، ای حسین!

تاملاس توندون رییس سابق کنگره ملی هندوستان

این فداکاریهای عالی از قبیل شهادت امام حسین(ع)، سطح فکر بشریت را ارتقا بخشیده است و خاطره آن شایسته است همیشه باقی بماند و یادآوری شود.

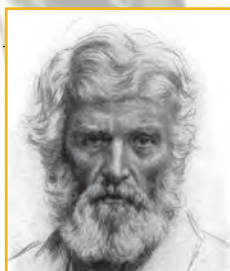
فردریک جمس

درس امام حسین و هر قهرمان شهید دیگری این است که در دنیا اصول ابدی عدالت و ترجم و محبت وجود دارد که تغییرناپذیرند و هم چنین می رساند که هر گاه کسی برای این صفات مقاومت کند و بشر در راه آن پافشاری نماید، آن اصول همیشه در دنیا باقی و پایدار خواهد ماند.



موریس دوکبری

در مجالس عزاداری حسین گفته می شود که حسین، برای حفظ شرف و ناموس مردم و بزرگی مقام و مرتبه اسلام، از جان و مال و فرزند گذشت و زیر بار استعمار و ماجراجویی یزید نرفت. پس بیایید ما هم شیوه او را سرمشق قرار داده از زیردستی استعمارگران خلاصی یابیم و مرگ با عزت را بر زندگی با ذلت ترجیح دهیم.



توماس کارلایل فیلسوف و مورخ انگلیسی

بهترین درسی که از تراژدی کربلا می گیریم، این است که حسین و بارانش ایمان استوار به خدا داشتند؛ آنان با عمل خود روشن کردند که تفوق عددی در جایی که حق با باطل روبرو می شود اهمیت ندارد و پیروزی حسین با وجود اقلیتی که داشت، باعث شگفتی من است.

ماربین آلمانی خاور شناس معروف

حسین با قربانی کردن عزیزترین افراد خود و با اثبات مظلومیت و حقانیت خود، به دنیا درس فداکاری و جانبازی آموخت و نام اسلام و اسلامیان را در تاریخ ثبت و در عالم بلند آوازه ساخت. این سرباز رشید عالم اسلام به مردم دنیا نشان داد که ظلم و بیداد و ستمگری پایدار نیست و بنای ستم هر چه در ظاهر عظیم و استوار باشد، ولی در برابر حق و حقیقت چون پر کاهی بر باد خواهد رفت.



جرج جرداق دانشمند و ادیب مسیحی

وقتی یزید، مردم را تشویق به قتل حسین و مأمور به خونریزی می کرد، آنان می گفتند:
«چه مبلغی می دهی؟»
اما انصار حسین به او می گفتند:
«ما با تو هستیم؛ اگر هفتاد بار کشته شویم، باز می خواهیم در رکابت جنگ کنیم و کشته شویم.»

عبدالحمید جوده السحار نویسنده مصری

حسین(ع) نمی توانست با یزید بیعت کند و به حکومت او تن در دهد؛ زیرا در آن صورت، بر فسق و فجور، صحنه می گذاشت و ارکان ظلم و طغیان را محکم می کرد و بر فرمانروایی باطل تمکین می نمود. امام حسین به این کارها راضی نمی شد، گر چه اهل و عیالش به اسارت رفته و خود و یارانش کشته شوند.



بنت الشاطی

زینب، خواهر حسین بن علی(ع) لذت پیروزی را در کام ابن زیاد و بنی امیه خراب کرد و در جام پیروزی آنان قطرات زهر ریخت، در همه حوادث سیاسی پس از عاشورا، هم چون قیام مختار و عبدالله بن زبیر و سقوط دولت امویان و برپایی حکومت عباسیان و ریشه دواندن مذهب تشیع، زینب قهرمان کربلا نقش برانگیزاننده داشت.

گیبون مورخ انگلیسی

با آن که مدتی از واقعه کربلا گذشته و ما هم با صاحب واقعه هم وطن نیستیم، اما سختی ها و مشکلاتی که حضرت حسین تحمل نموده، احساسات سنگین دل ترین خواننده را بر می انگیزد، چندان که یک نوع عطوفت و مهربانی نسبت به آن حضرت در خود می یابد.

عباس محمود عقاد نویسنده و ادیب مصری

جنبش حسین، یکی از بی نظیرترین جنبشهای تاریخی است که تاکنون در زمینه دعوت های دینی یا نهضت های سیاسی پدیدار گشته است... دولت اموی پس از این جنبش، به قدر عمر یک انسان طبیعی دوام نکرد و از شهادت حسین تا انقراض آنان بیش از شصت و اندی سال نگذشت.



لیاقت علی خان نخستین نخست وزیر پاکستان

این روز محرم، برای مسلمانان سراسر جهان معنای بزرگی دارد. در این روز، یکی از حزن آورترین و تراژدیک ترین وقایع اسلام اتفاق افتاد، شهادت حضرت امام حسین(ع) در عین حزن، نشانه فتح نهایی روح واقعی اسلامی بود، زیرا تسلیم کامل به اراده الهی به شمار می رفت. این درس به ما می آموزد که مشکلات و خطر ها هر چه باشد، نبایستی ما پروا کنیم و از راه حق و عدالت منحرف شویم.

احمد محمود صبحی نویسنده

اگر چه حسین بن علی(ع) در میدان نظامی یا سیاسی شکست خورد؛ اما تاریخ، هرگز شکستی را سراغ ندارد که مثل خون حسین(ع) به نفع شکست خوردگان تمام شده باشد. خون حسین، انقلاب پسر زبیر و خروج مختار و نهضت های دیگر را در پی داشت، تا آن جا که حکومت اموی ساقط شد و ندای خونخواهی حسین(ع)، فریادی شد که با آن تخت ها و حکومت ها را به لرزه درآورد.